



دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

الگوی پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی کودک توسط هیجانات مادر  
در دو گروه دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دبستانی با  
توجه به جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده

به کوشش

حمیده سلیمانی

استاد راهنما

دکتر لعیّا بشاش

اسفند ماه ۱۳۸۸





به نام خدا

## اظہار نامہ

اینجانب حمیدہ سلیمانی (۸۶۰۱۰۴) دانشجوی رشته‌ی روانشناسی گرایش آموزش کودکان استثنایی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی اظہار می‌کنم که این پایان‌نامہ حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظہار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامہ‌ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامہ مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی : حمیدہ سلیمانی

تاریخ و امضاء:

 ۱۳۸۸، ۱۲، ۱۱

به نام خدا

الگوی پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی کودک توسط هیجان‌ات مادر  
در دو گروه دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دبستانی  
با توجه به جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده

به کوشش  
حمیده سلیمانی

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به‌عنوان بخشی از  
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه‌ی: عالی

دکتر لعیان بشاش، استادیار بخش روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی (رئیس کمیته) ...

دکتر مرتضی لطیفیان، دانشیار بخش روانشناسی تربیتی ...

دکتر دیبا سیف، استادیار بخش روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی ...

اسفند ماه ۱۳۸۸

تقدیم به :

# تمامی کودکان

## سپاسگزاری

سپاس یزدان پاک را که انسان را آفرید و ملاک برتری او را عقل و دانش و علم و دانایی قرار دارد. او که قلم را وسیله تکامل قرار داد و انسان را تنها موجود حمل کننده امانت خود قرار دارد. او که مرا یاری داد تا در زمره‌ی طالبان دانش قرار بگیرم و به من توفیق انجام این پژوهش را داد. اکنون که با یاری و عنایت پروردگار کار تکمیل این پژوهش به پایان رسیده است، نخست بر خود لازم می‌دانم که از استاد عالی قدر و فرزانه سرکار خانم دکتر لعیا بشاش که نه تنها در انجام این پژوهش بلکه به عنوان مشوق و راهنمایی دلسوز همواره در کلیه مراحل راهنمایم بوده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم. همچنین از اساتید مشاور پایان‌نامه جناب آقای دکتر مرتضی لطیفیان و سرکار خانم دکتر دیبا سیف که در پیمودن این مسیر از هیچ گونه لطف و محبتی دریغ ننمودند و همواره چراغ راهم بودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. از تمامی والدین، معلمان، مدیران و مشاوران مدارس عادی و آموزش ویژه کودکان کم‌توان ذهنی در نواحی چهارگانه شهر شیراز که در انجام این پژوهش دقت و همکاری لازم را مبذول داشتند. در پایان خاضعانه بر آستان پر مهر پدر و مادر عزیزم که همه‌ی هستی‌ام مدیون محبت بی‌ادعایشان است، سر فرود می‌آورم و بر دستان پرمهرشان بوسه می‌زنم. سلامتی، سعادت و موفقیت همه‌ی این عزیزان را از درگاه خداوند منان خواستارم. لطف حق فرا راه همیشگیشان باد.

## چکیده

الگوی پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی کودک توسط هیجانانامات مادر در دو گروه دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دبستانی با توجه به جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده

به کوشش

حمیده سلیمانی

هدف از پژوهش حاضر بررسی الگوی پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی کودک توسط هیجانانامات مادر در دو گروه دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دبستانی بود. ۱۴۰ نفر دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر دبستانی (از هر گروه ۷۰ نفر) در پایه دوم دبستان نمونه‌ی مورد نظر این پژوهش را تشکیل دادند. مادران در هر دو گروه نمونه، پرسشنامه‌های مقیاس افتراقی هیجانانامات (ایزارد و همکاران، ۱۹۹۳)، پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی برای کودکان (ون اودنهنون و هافسترا ۲۰۰۵) را تکمیل کردند. روایی این دو مقیاس با روش همسانی درونی و پایایی آن از دو روش بازآزمایی و ضریب آلفای کرونباخ، به صورت مطلوب احراز گردید. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد؛ بین هیجانانامات مثبت با سبک دلبستگی ایمن رابطه‌ای مثبت و معنادار و با سبک‌های دلبستگی نایمن رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. همچنین هیجانانامات منفی با سبک دلبستگی ایمن رابطه‌ای منفی و معنادار و با سبک‌های دلبستگی نایمن رابطه‌ای مثبت و معنادار دارند. با استفاده از تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی سهم پیش‌بینی هر یک از سبک‌های دلبستگی توسط هیجانانامات مادر با توجه به جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش به شرح ذیل می‌باشد: (۱) نتایج برای گروه عادی نشان می‌دهد که هیجانانامات مثبت پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار برای سبک دلبستگی ایمن بودند و هیجانانامات منفی قدرت پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی را نداشتند. (۲) نتایج برای گروه کم‌توان ذهنی نشان می‌دهد که هیجانانامات منفی پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت و معنادار برای سبک‌های دلبستگی نایمن بودند و هیجانانامات مثبت قدرت پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن را نداشتند. (۳) دانش‌آموزان عادی نمره‌ی بیشتری در سبک دلبستگی ایمن از دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی کسب کردند و برعکس. (۴) جنسیت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی قدرت پیش‌بینی سبک‌های دلبستگی را نداشتند. در پایان نتایج مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ارائه گردید.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- بیان مسأله
۷	۳-۱- اهمیت و ضرورت مسأله
۸	۴-۱- اهداف پژوهش
	<b>فصل دوم: مبانی نظری و تحقیقات پیشین</b>
۹	۱-۲- مقدمه
۹	۲-۲- مبانی نظری
۹	۱-۲-۲- مبانی و تعریف هیجان
۱۱	۲-۲-۲- الگوهای هیجان
۱۲	۱-۲-۲-۲- هیجانات همخموان با هدف: هیجانات مثبت
۱۲	۱-۲-۲-۲- شادی
۱۲	۲-۲-۲-۲- خوش بینی و امید
۱۳	۳-۲-۲-۲- علاقه
۱۳	۴-۲-۲-۲- عشق
۱۳	۲-۲-۲-۲- هیجانات ناهمخموان با هدف: هیجانات منفی
۱۳	۱-۲-۲-۲- ترس
۱۴	۲-۲-۲-۲- خشم
۱۴	۳-۲-۲-۲- نفرت
۱۴	۴-۲-۲-۲- غم
۱۵	۵-۲-۲-۲- احساس گناه و شرمساری

۱۵	۲-۲-۲-۲-۶- استرس
۱۶	۲-۲-۳- نظریه‌های هیجان در بافت خانواده
۱۶	۲-۲-۳-۱- نظریه‌ی سالیوان
۱۷	۲-۲-۳-۲- نظریه‌ی مالانتسنا
۱۸	۲-۲-۳-۳- نظریه‌ی دیکس
۱۹	۲-۲-۳-۴- نظریه‌ی دونسموری و هالبرستادت
۲۳	۲-۴- نظریه‌ی دل‌بستگی
۲۷	۲-۴-۱- فرایند شکل‌گیری دل‌بستگی
۲۹	۲-۴-۲- الگوی فعال درونی
۳۱	۲-۴-۳- طبقه‌بندی بارتلمو و هوریتز
۳۲	۲-۴-۴- سبک‌های دل‌بستگی
۳۳	۲-۴-۴-۱- دل‌بستگی ایمن
۳۴	۲-۴-۴-۲- دل‌بستگی نایمن - اجتنابی
۳۵	۲-۴-۴-۳- دل‌بستگی نایمن دوسوگرا- مقاوم
۳۶	۲-۴-۴-۴- دل‌بستگی نایمن سازمان نیافته (غیرمتجانس)
۳۸	۲-۵-۵- تحقیقات پیشین
۳۸	۲-۵-۵-۱- رابطه‌ی هیجانات مادر با دل‌بستگی
۴۲	۲-۵-۲- دل‌بستگی در کودکان عادی و استثنایی
۴۵	۲-۵-۳- جنسیت و دل‌بستگی
۴۶	۲-۵-۴- وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده و دل‌بستگی
۴۷	۲-۵-۵- هیجانات مادران کودکان عادی و استثنایی
۵۰	۲-۶- خلاصه و نتیجه‌گیری از تحقیقات انجام شده
۵۱	۲-۷- سوالات پژوهش
۵۱	۲-۸- تعاریف عملیاتی متغیرها
۵۱	۲-۸-۱- هیجانات مادر
۵۱	۲-۸-۲- سبک‌های دل‌بستگی
۵۱	۲-۸-۳- مادران دانش‌آموزان عادی
۵۲	۲-۸-۴- مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر
۵۲	۲-۸-۵- دانش‌آموزان عادی

۵۲	۲-۸-۶- دانش آموزان کم توان ذهنی آموزش پذیر
۵۲	۲-۸-۷- وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده
	<b>فصل سوم: روش پژوهش</b>
۵۳	۳-۱- جامعه آماری
۵۳	۳-۲- نمونه آماری
۵۴	۳-۳- روش اجرا
۵۵	۳-۴- ابزار پژوهش
۵۵	۳-۴-۱- مقیاس افتراقی هیجان
۵۶	۳-۴-۱-۱- پایایی مقیاس افتراقی هیجان
۵۸	۳-۴-۱-۲- روایی مقیاس افتراقی هیجان
۵۷	۳-۴-۲- پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی برای کودکان
۵۸	۳-۴-۲-۱- پایایی پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی
۵۹	۳-۴-۲-۲- روایی پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی
۵۹	۳-۴-۳- رتبه‌بندی منزلت مشاغل
۶۰	۳-۵- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات
	<b>فصل چهارم: نتایج پژوهش</b>
۶۱	۴-۱- مقدمه
۶۱	۴-۲- یافته‌های توصیفی
۶۴	۴-۳- یافته‌های استنباطی
۶۶	۴-۳-۱- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک‌های دلبستگی بر اساس نمره کل هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده
۷۲	۴-۳-۲- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک‌های دلبستگی بر اساس ابعاد هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده
	<b>فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری</b>
۸۷	۵-۱- مقدمه
۸۷	۵-۲- تحلیل سؤالات پژوهش
۹۴	۵-۳- نتیجه‌گیری و کاربرد نتایج
۹۵	۵-۴- موانع و محدودیت‌ها

۹۷

فهرست منابع

۹۵

۵-۵- پیشنهادات پژوهش

۹۵

۵-۵-۱- پیشنهادات کاربردی

۹۶

۵-۵-۲- پیشنهاداتی جهت پژوهش‌های آتی

۹۷

الف) منابع فارسی

۹۹

ب) منابع انگلیسی

## فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵۶	جدول ۱-۳-۱- خرده مقیاس‌ها، ابعاد و گویه‌های مربوطه در مقیاس افتراقی هیجانات
۵۸	جدول ۲-۳-۲- ابعاد مربوطه در پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی
۵۹	جدول ۳-۳-۳- ضریب همبستگی ابعاد در پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی
۶۲	جدول ۱-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام خرده مقیاس‌ها و ابعاد پرسشنامه‌ی هیجانات در مادران دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر
۶۲	جدول ۲-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی در دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر
۶۳	جدول ۳-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی بر اساس جنسیت و کل گروه نمونه
۶۳	جدول ۴-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی در گروه دانش‌آموزان عادی و کم‌توان ذهنی بر اساس جنسیت
۶۴	جدول ۵-۲-۴- میانگین و انحراف معیار وضعیت اقتصادی-اجتماعی گروه نمونه بر اساس رتبه بندی منزلت مشاغل
۶۵	جدول ۱-۳-۴- ماتریس همبستگی بین هیجانات مثبت و منفی و ابعاد آن و سبک‌های دلبستگی در کل گروه نمونه
۶۶	جدول ۲-۳-۴- نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای سبک دلبستگی ایمن
۶۸	جدول ۳-۳-۴- نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی در گروه نمونه
۶۹	جدول ۴-۳-۴- نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا-مقاوم در گروه نمونه
۷۱	جدول ۵-۳-۴- نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی برای سبک دلبستگی نایمن- سازمان نیافته در گروه نمونه

صفحه	عنوان
۷۳	جدول ۴-۳-۶- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک دلبستگی ایمن در گروه نمونه
۷۵	جدول ۴-۳-۷- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی در گروه نمونه
۷۷	جدول ۴-۳-۸- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا-مقاوم در گروه نمونه
۷۹	جدول ۴-۳-۹- نتایج رگرسیون سلسله مراتبی ابعاد برای سبک دلبستگی ناایمن سازمان نیافته در گروه نمونه
۸۲	جدول ۴-۳-۱۰- مقادیر بتا و سطح معنی‌داری بر اساس نمره‌ی کل هیجان‌ات مثبت و منفی برای سبک‌های دلبستگی در گروه نمونه
۸۳	جدول ۴-۳-۱۱- مقادیر بتا و سطح معنی‌داری بر اساس نمره‌ی ابعاد هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده برای دلبستگی ایمن در گروه نمونه
۸۴	جدول ۴-۳-۱۲- مقادیر بتا و سطح معنی‌داری بر اساس نمره‌ی ابعاد هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده برای دلبستگی اجتنابی در گروه نمونه
۸۵	جدول ۴-۳-۱۳- مقادیر بتا و سطح معنی‌داری بر اساس نمره‌ی ابعاد هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده برای دلبستگی دوسوگرا-مقاوم در گروه نمونه
۸۶	جدول ۴-۳-۱۴- مقادیر بتا و سطح معنی‌داری بر اساس نمره‌ی ابعاد هیجان‌ات مثبت و منفی و متغیرهای تعدیل کننده برای دلبستگی سازمان نیافته در گروه نمونه

## فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۲۲	شکل ۱- هیجانات خانواده و تأثیر آن بر شکل‌گیری طرحواره کودکان درباره‌ی خود و دنیا (دونسموری و هالبرستادت (۱۹۹۷)
۲۵	شکل ۲- ویژگی‌های دلبستگی (بالبی، ۱۹۸۸)
۲۹	شکل ۳- چرخه‌ی دلبستگی (تری، ۲۰۰۳)
۳۲	شکل ۴- سبک‌های دلبستگی بر اساس طبقه‌بندی بارتلمو و هوریتز (۱۹۹۱)

# فصل اول

## کلیات



## ۱- کلیات

### ۱-۱- مقدمه

امروزه در عرصه‌ی دیدگاه‌هایی که کوشش می‌کنند به فهم بهتر زندگی روانی، تحول هیجانی و چگونگی پدیدآیی اختلالات کودکان دست یابند، نظریه‌هایی که محور اصلی را رابطه‌ی مادر-کودک می‌دانند جایگاه وسیع و خاصی دارند، زیرا این نظریه‌ها عناصری را یافته و عرضه کرده‌اند که در درک وضعیت هیجانی و مشکلات کودک نقش بنیادی ایفاء می‌کنند. اهمیتی که نظریه‌پردازان روابط موضوعی، برای نقش کلیدی مادر در تحول کودک قائلند تا حدی است که برخی از آنها مانند وینی کات<sup>۱</sup> (۱۹۵۸) معتقدند که در آغاز زندگی اصلاً نوزاد بدون مادر وجود ندارد (به نقل از بالبی<sup>۲</sup>، ۱۹۶۱).

در میان پیشرفت‌های روز افزونی که روان‌پزشکی<sup>۳</sup> در طول یک ربع قرن گذشته داشته است این حقیقت روز به روز روشن‌تر شده که کیفیت مراقبت والدین در اولین سال‌های زندگی در سلامت روحی آینده کودک اهمیت حیاتی دارد (بالبی، ۱۹۴۵). چنانچه؛ از همان آغاز تولد خانواده نقشی بسیار مهم در تحول کودکان بازی می‌کند و ظرفیت‌های ویژه‌ای را در کودک به وجود می‌آورد، که این ظرفیت‌ها او را در سازگاری هر چه بیشتر با خود و محیط پیرامون یاری می‌دهد (کاسیدی و شاور<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹).

بیشتر ادبیات پژوهشی دل‌بستگی، بیانگر اهمیت پیوند بین مادر-کودک و تأکید بر این نکته است که تجارب اولیه کودک متأثر از چنین پیوندی است. مطالعات بسیاری (برومویچ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱)

---

<sup>۱</sup>-Winnicott

<sup>۲</sup>-Bowlby

<sup>۳</sup>-Psychiatric

<sup>۴</sup>-Cassidy & Shavar

<sup>۵</sup>-Bromwich

بیانگر این امر است که فرایند دلبستگی تعاملی دوسویه است. یک سوی آن رفتار و ویژگی‌های کودک و سوی دیگر رفتارها و هیجانات مادر است (پاپوسک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱). اما کاسیدی و شاور (۲۰۰۳) تأکید دارند از آنجا که توانایی‌ها و هیجانات مادر در کنترل خود و محیط بسیار بیشتر و قابل ملاحظه‌تر از توانایی‌های نوزاد است، بنابراین تأثیر هیجانات مادر بر رشد و تحول کودک بسیار چشمگیرتر می‌باشد. بر این اساس وقتی عوامل مؤثر بر دلبستگی کودک در نظر گرفته می‌شود هیجانات، دانسته‌ها و مهارت‌های مادر امری بسیار اساسی و مهم تلقی می‌شود. در خلال دهه‌های گذشته محققان سعی در شناخت عواملی داشته‌اند که بر پیوند مادر-کودک مؤثر بوده و آن را هدایت و راهنمایی می‌کند. در این میان آنچه خودنمایی می‌کند هیجانات و و بازخوردهای مادر به عنوان مراقبت‌کننده‌ی اصلی است. چنانچه مطالعات بسیاری بر سهم قابل توجه اشکال ارتباطی اعمال شده از سوی مادر بر مسیر رشد و تحول کودک تأکید داشته‌اند، که شامل پیوستگی مادر از یکسو و دلبستگی کودک از سوی دیگر است (بالبی، ۱۹۶۱؛ آینزورث<sup>۲</sup>، ۱۹۷۸).

از نظر بالبی (۱۹۶۹) بین تجارب دوران کودکی فرد از والدین خود و رفتار والدینی بعدی او رابطه و پیوستگی وجود دارد. روابط اولیه، احتمالاً هماهنگ با دیگر عوامل خطرزا در اکولوژی یک کودک منجر به الگوهایی از رفتارهای مرتبط می‌شوند که می‌توانند تشخیص یک اختلال تکوینی و نیازمند درمان را مطرح کنند. در این روابط اولیه رابطه مادر-کودک مهم‌ترین نقش را در تحول کودک ایفاء می‌کند. بالطبع این رابطه متأثر از ویژگی‌های شخصیتی و خلقی مادر و مزاج کودک است و بر این اساس کیفیت رابطه مادر-کودک رقم می‌خورد.

هر تفاوتی در کیفیت دلبستگی قویاً به تعامل مادر-کودک در مراحل نخستین تحول بستگی دارد. حساسیت مادر، پذیرش یا طرد مادرانه، همکاری یا دخالت مادر و در دسترس بودن او نیز اهمیت خاصی دارد. زیرا نظریه‌ی دلبستگی یک نظریه‌ی تحول اجتماعی است که مبتنی بر جنبه‌های هیجانی تعامل مادر-کودک است و با تحول هیجانی ارتباط زیادی دارد و اخیراً در

---

<sup>۱</sup>-Poposck

<sup>۲</sup>-Ainnsworth

مورد تحول هیجانی که مورد توجه بالبی بوده باعث بحث و تحقیقات بیشتری شده است (تامسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

بر اساس نتایج بدست آمده، شواهد تجربی نشان می‌دهند که حساسیت و پاسخدهی فرد مراقب نقشی بسیار حیاتی در فرایند دلبستگی دارد (بیکر مانز-کرانبرگ ون ایجزندورن و جافر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳). در واقع حساسیت مادرانه قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی اشکال دلبستگی پیش از مدرسه محسوب می‌شود و این روند در سنین مدرسه (۱۲-۷ سالگی) ادامه می‌یابد (سیلگمن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹).

کنش متقابل و رابطه هیجانی میان مادر-کودک به روابط اجتماعی کودک در آینده شکل می‌دهد، در واقع دلبستگی بین والد-کودک شالوده‌ی اجتماعی شدن کودک را در سال‌های بعد پی‌ریزی می‌کند. چرا که کودکی که با والدین خود دلبستگی مطمئنی پیدا کرده، بیشتر به دنبال حفظ رابطه‌ی هیجانی با والدین و نیز جلب اعتماد آنان از طریق پذیرش رفتارهای مطلوب اجتماعی است (بالبی، ۱۹۸۹). بسیاری از مطالعات دیگر نشان داده‌اند که دلبستگی والد-کودک با سازگاری کودک و همچنین با شایستگی عملکرد وی در موقعیت‌های دیگر رابطه دارد (اسروف<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳). چنانچه تعامل مادر-کودک تأثیر عمیقی بر رفتار و کاهش اضطراب کودک دارد و اختلال در روابط مادر-نوزاد عامل اختلال روانی کودک در سال‌های بعدی می‌شود آیزورث (۱۹۷۸).

مادر در دنیای کودک باعث می‌شود تا حالت‌ها و هیجانات او نقشی بسزا در محیط درونی و برونی کودک ایفاء نماید. لذا سهم قابل توجهی از مسیر دلبستگی کودک به اشکال ارتباطی اعمال شده از سوی مادر اختصاص دارد (گاتمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). روان‌شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنها را بر عهده می‌گیرند تأکید نموده و این کنش‌های متقابل را اساس عمده‌ی رشد هیجانی، شناختی و اجتماعی قلمداد می‌کنند (بالبی، ۱۹۶۹)، که هیچ چیزی جایگزین آن نیست (ریز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸).

---

<sup>1</sup>-Thompson

<sup>2</sup>-Bakermans-Kranenburg, van IJzendoorn & Juffer

<sup>3</sup>-Sigelman

<sup>4</sup>-Sroufe

<sup>5</sup>-Gottman

<sup>6</sup>-Rees

## ۱-۲- بیان مسأله

هر کودکی که متولد می‌شود، اولین کسی را که در بدو تولد مشاهده می‌کند مادر است. در واقع کودکان در حالی دنیای بسته و امن جنینی را وداع می‌گویند که امنیت از دست رفته را با آغوش پُرمهر مادر جبران می‌کنند و این پایگاه پایه‌گذار نخستین روان‌بنه‌های<sup>۱</sup> هیجانی و ارتباطی در نوزاد است که بی‌شک متضمن امنیت روانی و هیجانی کودک در چندین سال اول زندگی است و چه بسا اثرات طولانی مدت هیجانات مادری گسترده‌ی زندگی فرد را در بر می‌گیرد (بالبی، ۱۹۶۹).

در دهه‌های حاضر اهمیت و نقش هیجانات در زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. روان‌شناسان نشان داده‌اند که در طول دوره‌های مراقبت، مادر در رویارویی با رویدادهای مختلف محیطی از جمله، تکالیف سخت و مداوم مراقبت از فرزند، درگیر هیجانات مرتبط ناهشیاری است که می‌تواند از طریق حالت‌های صورت، اندام و کلام به کودک منتقل شود. اشکال مکیدن کودک و رفتاری که او در حین تغذیه از خود نشان می‌دهد، حالت‌های هیجانی را در مادر برمی‌انگیزد، که این حالت‌های هیجانی باید در جهت جدا نگه داشتن کودک از بسیاری محرک‌های برونی و ارضاء نیازهایی که توسط محرک‌های درونی پدیدار شده‌اند رهبری شوند، تا مادر بتواند در تأمین آرامش کودک با فرایند برون‌ریزی وی سهیم باشد (اشپیتز<sup>۲</sup>، ۱۹۵۸؛ به نقل از دادستان و منصور، ۱۳۸۵). از آن‌جا که مادر نسبت به این هیجانات ناهشیار است و به سختی می‌تواند بطور هشیارانه آنها را مهار نماید، شناخت، تنظیم و هدایت فرایند هیجانات مادر در جهت ایجاد هیجانات مثبت در کودک ضروری می‌باشد (پاپوسک، ۱۹۹۹).

به این ترتیب مادر نقشی اساسی را در جسارت بخشیدن به کودک در جهت داشتن رفتاری مناسب و خودداری از رفتار نامناسب به عهده دارد. بنابراین استفاده از راهکارهای منظم و مهار مناسب هیجانات، مهیاکننده زمینه‌ی دلبستگی کودک به مادر و در نتیجه اعتماد وی به محیط اطراف می‌باشد (گاتمن، ۲۰۰۴). برای وارد شدن به چنین ارتباطی، اوج‌گیری و نزول

---

<sup>۱</sup>-Scheme

<sup>۲</sup>-Spits